UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۱ هستی و چیستی

یکم؛

درک واقعیت بدیهی است وعلم ما به واقعیت بدیهی است، به بیان دیگر ما انسان ها هستی شناسیم.

کودکی هنگام تشنگی به سراغ آب می رود؛از این گزاره فهمیده میشود:
- هستی
- علم به آب وهستی

دوم؛

کودک در باغ وحش مرتب از پدرخویش از چیستی حیوانات پرسش می کند، در عین حال به وجود حیوانات آگاه است و پی برده است، ماهیت ان ها را نمی داند پس میان وجود و ماهیت تمایز قائل می شود اگر چه اصطلاحات آن را نداند...

برای ماهیت کتاب چند اصطلاح دیگر هم ذکر کرده است .

۱_ چیستی

۲_ ویژگی های مخصوص هر شی که آن را از دیگر موجودات متمایز می کند.

۳_ ذاتیات هر شی

❊از مجموع یکم و دوم: انسان در واقعیات، وجود (وجه مشترک) ماهیت (وجه اختصاصی) درک می کند.

در ادامه نکته ی مطرح شده نحوه مغایرت وجود و ماهیت است.

خلاصه کلام این است که، درک نسبت و تمایزِ وجود و ماهیت، ابتدا، در فارابی مطرح است.

ابن سینا راه فارابی را ادامه میدهد و ماحصل این سخن این است که وجود و ماهیت،دو مفهوم از یک چیز هستند،

نه دو جزء از یک چیز.

دو مفهم،دو معنا، ⟵ رابطه ی وجود و ماهیت و واقعیت
دوجز،دوامر ⟵ رابطه ی اکسیژن و هیدروژن و آب

تعبیر
- درست
  - ۱_دومعنا
  - ۲_دومفهوم
- نادرست
  - ۱_دوجزء
  - ۲_ترکیب شده اند
  - ۳_جمع شده اند

آنچه تحت عنوان قدم چهارم در کتاب آمده است جز مهمترین صفحات کتاب است کتاب قصد دارد به بیان فنی و فلسفی درباره "مغایرت وجود و ماهیت" سخن بگویید؛ در این جایگاه دلیل ابن سینا در کتاب ذکر شده است :

خلاصه کلام این است :

که تمایز وجود دارد: میان حمل
- وجود برماهیت
- ذات و ذاتیات بر ماهیت

مثال: مثلث به عنوان یک ماهیت، موضوع قرار میگیرد:

مثلث
- ۱_شکل است
- ۲_سه ضلعی است
- ۳_شکل سه ضلعی است
- ۴_ وجود دارد ← حمل شایع صناعی است.

نیازمند دلیل نیست، حمل ضرورتی است حمل اولی ذاتی است

UPDF
WWW.UPDF.COM

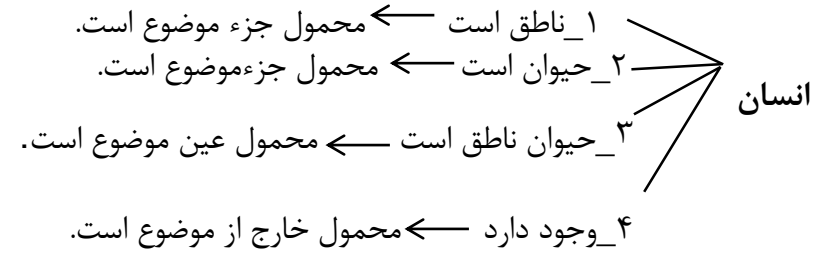

منظور از" مغایرت وجود و ماهیت" این است که وجود عین ماهیت نیست و وجود جز ماهیت نیست، بلکه وجود مغایر ماهیت و به بیان دیگر خارج از ماهیت است.

ابن سینا پس از طرح تمایز فوق می‌گوید اگر به حمل وجود بر ماهیت نگاه کنیم می‌بینیم حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل است، این دلیل می‌تواند از طریق حس،عقل محض یا تجربه شناسایی شود؛ خلاصه کلام میان هیچ چیستی و هیچ هستی ، رابطه ذاتی برقرار نیست(یعنی وجود،ذات هیچ ماهیت و ذاتی هیچ ماهیتی نیست)

خلاصه کلام مفهوم وجود و مفهوم ماهیت مغایر یکدیگر هستند

اگر وجود مغایر ماهیت، نبود هر ماهیتی را تصور می‌کردید لازم بود وجود داشته باشد: کوه طلای خیالی، واقعی می‌شد.

بحث تاریخی

تمایزی که به وسیله فارابی مطرح شد و به وسیله ابن سینا، بدان پر و بال داده شد، به نزد خود ابن سینا،پایه برهان" وجوب و امکان" قرار گرفت؛ آکویناس نیز در برهان های خداشناسی خویش و بنیان گذاری تومیسم از آن بهره برد،آکویناس در قرن ۱۳ میلادی، فلسفه را پایه گذاری کرده که :

۱_متکی به ابن سینا و نیز ابن رشد بود.

۲- بوسیله اندیشه های عقلانی دوباره با فلسفه ارسطویی منطبق شد

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسش ها

۱_«کودک درهنگام تشنگی به سراغ آب می رود»از این گذاره چه نتیجه فلسفی می توان گرفت؟

۲_داستان پرسش های متوالی کودک در باغ وحش به چه مساله ای مربوط است؟

۳_برای واژه ی "ماهیت"به لحاظ فلسفی چه مترادف هایی می توان ذکر کرد؟

۴_رابطه وجود و ماهیت با رابطه اکسیژن و هیدروژن مقایسه کنید؟چه تعبیراتی در رابطه درست و چه تعبیراتی نادرست است؟

۵_برهان فنی ابن سینا ،در رابطه با وجود و ماهیت را تحلیل کنید؟

۶_حمل وجود بر ماهیت ،نیازمند دلیل است،این دلیل می تواند چگونه حاصل شود؟

۷_تمایز وجود و ماهیت به لحاظ تاریخی چه اهمیتی در تاریخ تفکر فلسفی دارد؟

۸_درباره این گذاره توضیح دهید«اندیشه های عقلانی ابن سینا و ابن رشد«باعث شد فلاسفه غرب،دوباره با اندیشه های ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۲ جهان ممکنات

نکته اول

این درس به وجهی ساده‌ترین درس کتاب است و حالت مقدمه‌ای برای درس‌های بعدی دارد. درس ابتدا با توضیح علمی آغاز می‌شود و در ادامه جمله مهمی می‌آید،علی رغم تغییر نگرش شگرف دانشمندان علوم طبیعی درباره موجودات طبیعی مسئله‌های فلسفی جدی وجود دارند که همچنان ثابت و محل بحث و تامل جدی اند.

و این درس در پی پاسخ دادن به یکی از این پرسش‌های جدی فلسفی است« آیا موجودات این جهان می‌توانستند نباشند یا وجود برای آنها ضروری است؟»

نکته دوم

اگر هر محمولی را با هر موضوعی بسنجیم،رابطه آن محمول با آن موضوع لاجرم یکی

از سه حالت خارج نیست:

۱_ضروری / واجب

۲_غیر ممکن/ محال ممتنع

۳_امکان

اما اگر وجود را به هر موضوعی بسنجیم از دوحالت خارج نیست

۱_واجب الوجود / ضروری الوجود

۲_ممکن الوجود

نکته:ممتنع الوجود نداریم تنها در ذهن داریم اما در خارج نداریم لذا انچه در خارج وجود دارد یا واجب الوجود است یا ممکن الوجود. (حتی در باب نحوه وجود ذهنی ممتنع الوجود ها در ذهن مناقشاتی در میان است.)

UPDF
WWW.UPDF.COM

حال بررسی را درباره ممکن الوجود ادامه می‌دهیم، چرا موجوداتی که امکان وجود دارند، اکنون موجودند و جهان ممکنات را شکل داده اند؟

پاسخ فارابی و ابن سینا:

۱_این موجودات در ماهیت و ذات خود ممکن الوجودند ورابطه ی امکانی با وجود دارند

۲_علت آنها نیز وجود داشته است.

این دو نکته در کنار هم مهم است اگر یکی از این شرایط نباشد"ممکن الوجود"، "واجب بالغیر" نمی‌شود.

توضیح مطلب این است که **"ممکن"** مانند ترازویی است که کفه‌های آن در حالت تعادل به سر می‌برند

خارج شدن از حالت تعادل به وسیله علت است و یا عدم علت،

اگر علت:

۱_وجود داشت⟵واجب الوجود بالغیر تحقق می یابد.

۲_وجود نداشت⟵ممتنع بالغیر خواهیم داشت{امری که ذاتا ممکن است اما علت آن نیست}

مطابق تحلیل فوق مجموعه موجودات عالم دو فرد خواهد داشت:

۱_واجب الوجود بالذات{خدا}

۲_واجب الوجود بالغیر

مجموعه عدم نیز دو فرد خواهد داشت:

ممتنع الوجود بالذات

ممتنع الوجود بالغیر

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_چه تفاوتی میان، تصورات دانشمندان گذشته، از موجودات طبیعی، و امروز و مسئله‌های فلسفی گذشته و امروز می‌توان مشاهده کرد؟

۲_درباره نسبت‌های سه گانه، در قضایا، توضیح دهید و اصطلاح‌های مربوط را به طور کامل بنویسید.

۳_اگر وجود، در جایگاه محمول قرار گیرد و به هر موضوعی سنجیده شود،کدام اصطلاح‌ها پدید می‌آید؟

۴_در عالم، موضوع‌هایی می‌بینیم که در عین حال که ممکن بوده‌اند،موجود شده‌اند و موضوع‌هایی هم که داریم در عین حال که ممکن بودند و موجود نشدند درباره این دو دسته شرح دهید.

۵_گفته می‌شود مجموعه وجود دارای دو فرد است،واجب الوجود به ذات واجب الوجود بالغیر در این باره توضیح دهید.

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس سوم جهان علی و معلولی

این درس در شمار پر محتواترین درس‌های کتاب است که به خاستگاه مفهوم "علیت ، سنخیت علت و معلولی و وجوب علت و معلولی" می‌پردازد و لوازم هر کدام از این مباحث را نیز مطرح می‌کند.

یکم؛

تعریف علیت به لحاظ فلسفی اولین نکته جدی این درس است.

علیت رابطه‌ای وجودی است که درآن یک طرف"علت"به طرف دیگر"معلول"وجود می بخشد.

کلمه (چرا)بازتاب این رابطه در ذهن انسان‌ها است. چرا=به چه علت

دوم؛

۱_در عالم خارج ⟵ علت به معلول وجود می بخشد

۲_در عالم ذهن ⟵ دلیل(مقدمات)به نتیجه وجود می بخشد

سوم

رابطه علیت رابطه ای وجودی است که: وجود یک چیز، ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است برخلاف روابط دیگری چون: زوجیت، نبوت،اخوت،استاد و شاگردی و غیره که ابتدا وجود طرفین فرض می‌شود آنگاه رابطه برقرار می‌شود.

چهارم

این بخش کتاب بسیار دقیق است و نکات فراوانی را در خویش جای داده است چرا که دیدگاه‌های گوناگون را درباره خاستگاه مفهوم علیت طرح و بررسی می‌کند.

یکی از اصلی‌ترین اجزای مفهوم رابطه علیت،مفهوم ضرورت است، الف علت ب است یعنی اگر الف باشد محال است و ممتنع است که ب نباشد ، یعنی الف مضاف بر وجود بخشی ضرورت بخشی نیز می‌کند.

حال این ضرورت را از کجا ذهن حاصل کرده است خب چند دیدگاه در این بخش بررسی می‌شود نیز نقش تجربه در این دیدگاه‌ها نیز بیان می‌شود.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پنجم

۱_دکارت

۲_تجربه گرایان

۳_هیوم(خودش تجربه گرا بوده)

۴_حکماءمسلمان

دکارت

۱_اصل علیت بدون دخالت تجربه حاصل می‌شود.

۲_علیت جز اصول اولیه‌ای است که انسان به طور فطری آن را درک می‌کند یعنی با این اصل متولد می‌شود و با خود به دنیا می‌آورد.

۳_درک این رابطه نیز نیاز به تجربه و آموزش ندارد؛چرا که درک این رابطه مقدمه و پیامد هر تجربه‌ای است.

۴- یافتن مصداق های علت و معلول های تجربی به تجربه نیازمند است.

در شماره ۳ خود نکته دیگری نهفته است : چرا درک این رابطه به تجربه و آموزش نیاز ندارد؟چون این اصل خود مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است

تجربه گرایان

۱_از طریق حس توالی همزمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند.

۲_رابطه ضروری میان علت و معلول را می‌یابد.

۳_لذا این رابطه را درک می‌کند و بنا می‌نهد.

تحلیل هر چیزی بر اساس تجربه

هیوم

تجربه گرایی که رای خاصی در این باره دارد

۱_تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است .

۲_ضرورت علی با حس و تجربه قابل درک نیست، باید راه تجربی دیگری را برای آن یافت.

۳_بر اثر تکرار تجربه ، در ذهن یک انعکاس ذهنی واقع می‌شود که نام آن را "تداعی" می‌گذارد.

۴_ یعنی حالتی روانی از توالی،که ما را به سمت پنداشت ضرورت سوق می‌دهد.

فلاسفه مسلمان

۱_علیت قاعده عقلی است و از تجربه به دست نیآمده است. بلکه خود پایه و اساس هر تجربه‌ای است.

۲_ هر تلاش تجربی خود بر پایه این اصل است.

۳ _انسان این اصل را با خویش متولد نمی‌کند.

۴_ پس از شکل‌گیری ذهن(انباشت مفاهیم در ذهن) و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین،می‌فهمد که حوادث خود به خود رخ نمی‌دهد و دارای عواملی هستند.

نکته:بر اساس اصل امتناع اجتماع نقیضین ، می‌فهمند اشیا خود به خود به وجود نمی‌آیند ؛ چرا که اگر چیزی خودش به خودش وجود بدهد به معنای این است که چیزی که نیست ، قبلا باشد تا بتواند خودش را به وجود آورد و این همان اجتماع نقیضین است.

که محال بودن آن بدیهی است.

۱_کشف علل امور طبیعی ⟵ حس و تجربه

۲_خود اصل علیت ⟵ عقل

UPDF
WWW.UPDF.COM

ششم

نکته ششم این درس بحث "سنخیت علت و معلول" است.

عقلی بودن
- اصل علیت
- سنخیت ← هر علتی معلول خاص پدید می آورد و هر معلولی از علت خاص صادر می شود (به جز فیلسوفان تجربه گرا)

*با عقل خویش درک کند و مطابق آن رفتار کند
- برای باسواد شدن درس بخواند.
- برای گرما آتش می افروزد

سنخیت دارای نتایجی است
- ۱_انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد. لذا به دنبال شناسایی پدیده می‌رود .
- ۲_برای شناسایی فلان معلول، از فلان علت باید از تجربه کمک بگیریم.
- ۳_سنخیت پشتوانه عقلی نظم دقیق جهان است و دانشمندان بر اساس این اصل تحقیقات علمی خویش را پی می‌گیرند.

هفتم

مفهوم"وجوب علی و معلولی"نکته نهایی بحث علیت است. با بودن علت، وجود معلول حالت "وجوب" دارد و از امکان ذاتی خارج می‌شود علت به معلول علاوه بر وجود، وجوب نیز می‌بخشد.

- ۱_اصل علیت ← جهان یکپارچه و منسجم است.
- ۲_اصل سنخیت ← نظم و قانونمندی در جهان حاکم است.
- ۳_اصل وجوب علی ← تخلف پذیری و حتمیت در نظام هستی.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_علیت را به لحاظ فلسفی تعریف کنید.

۲_ فرق رابطه علیت با دیگر روابط چیست؟

۳- درباره خاستگاه مفهوم علیت،چه دیدگاه‌هایی طرح شده است؟

۴_مطابق دیدگاه دکارت با بیان ۴ نکته، خاستگاه مفهوم علیت را تشریح کنید.

۵_ تجربه‌گرایان درباره خاستگاه مفهوم ضرورت علی و معلولی چه دیدگاهی دارند؟

۶_ دیدگاه هیوم را درباره مفهوم علیت تشریح کنید.

۷_ درباره مفهوم« تداعی» در اندیشه هیوم توضیح دهید.

۸_ با بیان چهار نکته،دیدگاه حکما مسلمان را در مورد مفهوم علیت تشریح کنید.

۹_نقش جایگاه اصل "امتناع اجتماع نقیضین" را در دستیابی ذهن به مفهوم علیت تشریح کنید.

۱۰_ اصل سنخیت چیست ؟توضیح دهید.

۱۱_نتایج اصلی سنخیت را بیان کنید.

۱۲_ منظور از وجوب علی و معلولی چیست.

۱۳_ لوازم اصل علیت،اصل سنخیت علی و معلولی و وجوب علی و معلولی را بیان کنید.

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس۴ کدام تصویر از جهان؟

تحلیل معانی گوناگون اتفاق

یکم

یکم سه معنای گوناگون ابتدا برای اتفاق بیان می‌شود یکی از این معانی ریشه در یونان باستان دارد، یکی نظریه ای در حوزه زیست شناسی است و سوم نظریه‌ای در حوزه فیزیک می باشد. نظریه مربوط به یونان باستان درباره پیدایش جهان طرح شده که در آن گونه‌ای اتفاق پذیرفته می‌شود: دموکریتوس درباره پیدایش جهان این نظر را داشت که ماده اولیه جهان یا عناصر اولیه حاصل تلاقی اجزای ریز معلق در فضا،بوده است که سرگردان بوده‌اند و بر حسب برخورد اتفاقی آنها، اجزای هم اندازه و هم شکل را گرد هم آورده و عناصر اصلی عالم طبیعت بر حسب پذیرش نوعی اتفاق پدید آمدند.

نظریه دیگر در حوزه "زیست شناسی"متعلق به داروین است.

جانداران بی‌شماری در کره زمین پدید آمدند و در طول زمان تحولات بسیاری در ساختمان بدنی این موجودات،رخ داده اند؛ آن گونه‌ها یی که باقی مانده‌اند که تحولات آنها اتفاقاً با محیط سازگار بوده است این‌ها به حیات خویش ادامه دادند و رشد و تکثیر شده‌اند.

نظر سوم نیز در حوزه فیزیک مطرح است انفجار بزرگ (مه بانگ) رخ داده و به تدریج گسترش یافته است لذا پیدایش جهان بر حسب اتفاق و بدون علت بوده است.

دوم

ابن سینا در دایرۀ المعارف فلسفی شفا معانی "چهارگانه برای اتفاق"ذکر می‌کند و آنها را تحلیل می‌کند.

۱_انکار رابطه ضروری میان علت و معلول
- علت باشد معلول نباشد
- علت نباشد معلول باشد

۲_انکار سنخیت

۳_انکار غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان

۴_رخ دادن حوادث پیش‌بینی نشده

UPDF
WWW.UPDF.COM

سوم

تحلیل معنای اول

۱_هیچ فیلسوفی به صراحت این معنا را نپذیرفته است.

۲_رابطه ضروری میان علت و معلول پذیرفته می‌شود.

۳_گاهی اوقات به دلیل عدم آگاهی از اجزای علت و خلط علت تامه وعلت ناقصه این ضرو
انکار شده است.

مثلاً نوشتن با وجود همه عوامل ضروری، و با برخی عوامل ، غیر ضروری است.

چهارم

تحلیل معنای دوم، که انکار سنخیت بود، سنخیت لوازمی دارد که انکار سنخیت و پذیرش معنای دوم اتفاق، به معنای انکار این لوازم است.

لوازم سنخیت

۱_به هیچ کاری دست نخواهد زد.

۲_ نمی‌تواند نظم و هماهنگی موجود در عالم طبیعت را تبیین کند.

۳_ نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها تشویق کند.

۴_ انکار سنخیت به معنای بی‌اعتباری همه علوم است.

۵_ متناقض با یک هستی قانونمند و نظام وار است.

پنجم

تحلیل معنای سوم اتفاق که انکار غایت در علت است لازمش انکار علت العلل و خداوند است . اگر جریان علت و معلولات بی هدف و گنگ رخ می‌دهد، پس خردی نهان و هدفی از پیش تعیین شده در جهان وجود ندارد.

UPDF
WWW.UPDF.COM

فلاسفه درباره این تحلیل سه دیدگاه دارد:

۱_پذیرش خداوند و پذیرش غایت در حرکات جهان

۲_ انکار خداوند، انکار غایتمندی جهان ، و تحلیل فرایندهای تکاملی جهان بر حسب اتفاق

۳_انکار خداوند، پذیرش یک غایت برتر در جهان

این دسته (شماره ۳) گرفتار یک پارادوکس هستند، چون پذیرش غایتمندی و تکامل و هدف، لازمش این است که هدف قبل ازپیدایش اشیا تعیین شده باشد و پذیرش چنین غایتی بدون خداوند بی معنا است.

ششم

معنای چهارم اتفاق رخ دادن حوادث پیش‌بینی نشده است.

چند نکته دارد

۱_این معنا با هیچ یک از لوازم و اصول علیت مخالف نیست.

۲_ریشه این معنا علم ناقص و محدود ما به حوادث پیرامونی است.

۳_در مثال ذکر شده براساس قاعده علیت و لوازم آن،دیدار اتفاقی دو شخص ضروری و مطابق علیت است.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_نظریه دموکریتوس داروین و مهبانگ چگونه متضمن معنای اتفاق است؟

۲_ ابن سینا در کدام کتاب به تحلیل معانی اتفاق پرداخته است؟

۳_معانی چهارگانه اتفاق را ذکر کنید.

۴_ درباره معنای اول اتفاق توضیح داده و خاستگاه گرایش بدان را بیان کنید.

۵_ در معنای دوم اتفاق، سنخیت انکار می‌شود، لوازم پنجگانه انکار سنخیت را بیان کنید.

۶_ در معنای سوم اتفاق غایتمندی جریان علت و معلول انکار می‌شود؛نسبت مفهوم انکار غایت و پذیرش خداوند را تحلیل کنید ، آرای گوناگونی این حوزه را تقریر کنید.

۷_ اگر کسی خداوند را انکار کند در عین حال در عالم فرایندهای تکاملی را بپذیرد،گرفتار پارادوکس شده است.چرا؟

۸_ معنای چهارم اتفاق را تحلیل کنید.

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس۵ خدا در فلسفه(۱)

این درس در شمار درس های پر محتوای کتاب فلسفه دوازدهم است که درآن بحث فلسفی درباره مفهوم خدا را در تاریخ فلسفه غرب و آراء گوناگون را به بحث میگذارد، سخن ار خدا شناسی فلسفی، سقراط، افلاطون، ارسطو، دکارت، کانت، هیوم، و فلاسفه طرفدار معنای زندگی به میان می آید و مجموعا درسی پر محتوا محسوب می شود.

در درس جهان ممکنات دیدیم، موجودات ممکن و معلول که وجودشان از خودشان نیست و نیازمند علت است.

یکم

فلاسفه بزرگ یونان چون سقراط، افلاطون، ارسطو، در یک جامعه شرک آمیز زندگی می کردند؛ خدایان متعدد، منشأ واقعیات گوناگون جهان بود.

۱_زئوس ⟵ خدای آسمان و باران

۲_آپولون ⟵ خدای خورشید،هنر و موسیقی بود.

۳_آرتمیس ⟵ خدای عفت و خویشتن داری

انکار این دین شرک آمیز و کفر آمیز،طرد از جامعه یونان و حتی به قیمت جان سقراط تمام شد.اتهام اصلی سقراط،انکار همین کیش کفر آمیز بود.

سقراط

۱_در کتاب فلسفه یک خدا را به عنوان امری فوق بشری ، معرفی می کند.

۲_گزارش افلاطون می رساند سقراط به وجود خدای یگانه معتقد بوده است.

۳_اگرچه در لفظ و کلام از واژه خدایان نیز استفاده می کرد.

UPDF
WWW.UPDF.COM

دوم

افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است و کسی است که به دقت فلسفی بیشتر درباره خدا سخن می گوید. و تحلیل او با آموزه های دینی همخوان است.

خـــدا در اندیشـــه افلاطون

۱_هستی ثابت

۲_نه میزاید "لم یلد"

۳_نه از میان می رود "هوالباقی بعد فناء کل شیء"

۴_نه چیزی را به خود راه می دهد

۵_نه دیدنی است "لاتدرکه الابصار"

۶_نه از طریق حواس دریافتنی است.

۷_ فقط ازطریق تفکروتعقل می توان به اودست یافت وازاو بهرمند شد.

۸_کار او بر اساس هدف و حکمت خاصی صورت می گیرد."هوالحکیم"

افلاطون دو تعبیر مهم درباره خدا دارد.

- مثال خیر: خدا در مرتبه ذات
- دمیورژ(صانع): خدا در مرتبه خلق جهان

مفهوم صانع: نظم جهان محصول صانع، نظم دهنده و تحت فرمان دهنده عقل است.

مفهوم مثال خیر: هر چیز در پرتو او دارای حقیقت می‌شود اما او خود ورای حقایق (مثل) می باشد. خدا در این مفهوم دست نیافتنی است.

اگر افلاطون نیز از خدایان نام برده است، برای برقراری ارتباط با جامعه یونانی است.

UPDF
WWW.UPDF.COM

سوم

ارسطو در حوزه فلسفه دو برهان مهم دارد.

۱_برهان درجات کمال

۱_در میان موجودات برخی خوب و برخی خوبترند

۲_هر جا یک خوب و خوبتر هست خوبترین نیز هست

۳_پس بهترین وجود دارد،که همان واقعیت الهی است

در توضیح مقدمه دوم اینگونه می آید که بنظر ارسطو، صحت مقایسه نیاز دارد یک معیار فرض کنیم و با آن بسنجیم و همان واقعیت الهی است.

۱_ وجود حرکت در جهان مشهود است.

۲_محرک غیر متحرک

۲_ این حرکت لازم است به محرک غیر متحرک ختم شود.

۳_ تسلسل باطل است.

۴_خداوند به عنوان محرک غیر متحرک اثبات می‌شود.

خدا در منظر ارسطو

۱_شریف ترین موجود

۲_خیر و جمال و زیبایی

۳_ضرورتا موجود

۴_محرک غیر متحرک

۵_دارای حیات

۶_تغییر ناپذیر

۷_دارای عالی ترین اندیشه

UPDF
WWW.UPDF.COM

چهارم

دکارت فیلسوف عقل‌گرای قرن هفدهم

۱-من از حقیقت نامتناهی دانا، توانا که خالق من و هر چیزی است تصوری دارم.

۲_تصور نامتناهی نمی‌تواند بر ساخته من یا هر موجود متناهی دیگر باشد.

۳_این تصور نشان یک موجود نامتناهی است که می‌تواند چنین ادراکی به من بدهد

پنجم

هیوم،تجربه‌گرای قرن هفدهم

۱_ دلایل صرفاً عقلی و متکی به عقل مردود هستند چرا که عقل ادراک مستقل از تجربه و حس ندارد .

۲_ برهان نظم که از تجربه گرفته شده نمی‌تواند وجود ازلی و ابدی را اثبات کند تنها اثبات می‌کند یک ناظم و خالقی جهان را اداره می‌کند اما اثبات نمی‌کند این ناظم خالق خداوند ازلی و ابدی است.

برخی فلاسفه تجربه‌گرای خدا باور از این برهان در اثبات خدا بهره بردند.

ششم

کانت فیلسوفی که تجربه‌گرایی و عقل گرایی در او پیوند می‌یابد، فیلسوف قرن هجدهم آلمان خدا را از طریق جدیدی اثبات می‌کند نه از طریق

۱_ نظم

۲_برهان علیت

۳_وجوب امکان

بلکه از طریق اخلاق و وجدان اخلاقی برهان تازه‌ای مطرح می‌کند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

هفتم

کانت

۱_ انسان دارای وجدان اخلاقی است

۲_ اخلاق و مسئولیت پذیری در جایی معنا دارد که صاحب اراده و اختیار باشد.

۳_ این اختیار نمی‌تواند ویژگی بدنی باشد که محکوم به قوانین فیزیکی است.

۴_ اختیار ویژگی نفس، فناناپذیر،است که با مرگ بدن از بین نمی‌رود .

۵_ روح و نفس مجرد، سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.

۶_ نفس برای سعادت نیازمند جهانی ماوراء مادی است و جهان غیر مادی مشروط وجود خدای جاودان و نامتناهی است.

وجدان اخلاقی ⟵ اختیار ⟵ نفس ⟵ سعادت نفس ⟵ جهان غیر مادی ⟵ خدا

قبول خدا پشتوانه اختیار و اراده آزاد و تکیه‌گاه اصولی اخلاقی است که زندگی انسان را از پوچی خارج می‌کند.

هشتم

زندگی معنادار، زندگی

۱_دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس

۲_آراسته و فضایل و کرامت انسانی

از نظر کانت و دکارت معنای زندگی در گرو، این بود که از پشتوانه قبول خدا بهره‌مند باشد اما رواج تفکر حسی و ظهور فلاسفه ای که جهان و انسان را صرفا مادی می‌انگاشتند پایه‌های خداباور را سست کرد و زندگی را از اهداف متعالی تهی کرد و مسئله بحران معنایی زندگی پیش آمد.

در این میان

۱_کرگکور ، فیلسوف دانمارکی قرن ۱۹

۲_ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرن ۲۰/۱۹

۳_برگسون فیلسوف فرانسوی قرن ۲۰

مسئله خدا را به عنوان پشتوانه معنای زندگی دوباره مطرح می‌کند.

ویلیام جیمز

۱_ دلیل وجود خدا، در تجربه‌های شخصی درون ما نهفته است.

۲_در هنگام راز و نیاز با خدا زندگی متعالی و برترمی یابیم.

کرکگور

۱_ایمان هدیه الهی است،و نیازی به پشتوانه عقلی ندارد.

۲_خدا مومن را برمی‌گزیند و بدو ایمان می‌بخشد.

۳_اگر شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریک سپری خواهد کرد

این فلاسفه به مسائل رابطه" اعتقاد به خدا" و "معنا داری زندگی" توجه می‌کند.

زندگی معنادار

۱_ دارای غایت

۲_سرشار از ارزش‌های اخلاقی

۳_به آینده مطمئن وهمراه آرامش برتر

کاتینگهام

۱_قبول خدا زندگی را برای ما ارزشمند می‌کند .

۲_به جای احساس زندگی در جهان بیگانه می‌توانیم پناهگاهی بیابیم.

۳- عامل اصلی معنا بخشی به زندگی است.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسش ها

۱_مسئله خدا در یونان باستان،و فلاسفه پیش سقراطی، چگونه بود؟

۲_درباره نظر سقراط در مورد خدا،توضیح دهید؟

۳_ابداع کننده خداشناسی فلسفی کیست ؟وی چگونه مفهومی را به عنوان خدا،مطرح می‌کند؟

۴_درباره شکل "خیر" و "صانع" در اندیشه افلاطون به دقت شرح دهید.

۵_برهان درجات کمال،در اندیشه ارسطو را به دقت و با ذکر مقدمات،ذکر کنید.

۶_ برهان محرک غیرمتحرک را مطابق دیدگاه ارسطو،تقریر کنید؟

۷_هفت تعبیر،که ارسطو درباره مفهوم خدا مطرح می‌کند بنویسید؟

۸_خدا در اندیشه دکارت چگونه اثبات می‌شود؟

۹_توضیح دهید که هیوم درباره بحران‌های اثبات خدا،چگونه نظری اتخاذ می‌کند؟

۱۰_کانت چگونه راه متفاوتی برای اثبات خدا،پیش گرفت ؟برهان او را به ترتیب و مطابق نظم منطقی آن،بیان کنید؟

۱۱_توضیح دهید که کار چگونه خدا را به عنوان پشتوانه اختیار و تکیه‌گاه اصول اخلاقی معرفی می‌کند؟

۱۲_توضیح دهید چگونه،تجربه باوری به مسئله بحران در حوزه معنای زندگی انجامید؟

۱۳_فلاسفه ای را نام ببرید که از مسئله معنای زندگی به خدا پل زدند؟

۱۴-ویلیام جیمز درباره مفهوم خدا چه دیدگاهی دارد توضیح دهید؟

۱۵_کرکگورچه جوری از مفهوم خدا سخن می‌گوید؟

۱۶_ملاک‌های ذهنی یک زندگی معنادار چیست و چگونه مفهوم خدا با این ملاک‌ها در ارتباط است؟

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۶ خدا در فلسفه(۲)

این درس درباره مسئله اثبات خدا و خداباوری در سنت فلسفه اسلامی است پیش از بیان دیدگاه حکمای مسلمان ذکر این نکته مفید است که در ایران باستان طرح مفهوم خدا به عنوان

۱_ خالق هستی

۲-آفریننده هستی بر اساس عدل و حکمت

سابقه‌ای طولانی دارد.

به نقل سهروردی در دوره کیانیان،[دومین سلسله ایران باستان]حکمائی بودند که علاوه بر حکمت اهل عرفان نیز بودند که خداوند را به عنوان نور هستی و نورالانوار می‌شناختند.

یکم؛

ملاک اینکه بحث از خدا، فلسفی است، چیست؟

چه شخص مسلمان باشد چه مسیحی، هنگامی فلسفی است که:

۱_از روش فلسفی یعنی استدلال عقلی استفاده کند.

۲_ نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۳_قواعد فلسفی از عقیده های خود دفاع کند.

دوم

در سنت حکماء مسلمان بر خلاف برخی فلاسفه اروپایی،استدلال فلسفی درباره خدا امکان پذیر است، لذا هر کدام تلاش کردند استدلال‌های دیگری را به دقت بیشتری شرح کنند یا استدلال جدید عرضه کند.

یعنی:اثبات فلسفی خدا را ممکن می‌دانند، لازمه این امکان،رشد و تعالی اثبات عقلی خدا، در جهان اسلام بوده است.

سوم

برهان فارابی که به(اسد و اخضر) معروف است به قرار زیر است:

UPDF
WWW.UPDF.COM

این برهان

۱_ مبنی بر محال بودن،تسلسل نامتناهی علت‌هاست.

۲_نقطه آغازین برهان موجودات پیرامون ما است که وجودشان از خودشان نیست،و معلول چیزهای دیگرند.

۳_ خداوند در این برهان به عنوان علت غیرمعلول مفهوم سازی می‌شود.

اما چرا تسلسل نامتناهی علت ها باطل و محال است ؟

۱_معنای این تسلسل این است که آغاز و ابتدایی در کار نباشد،و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی‌آید.

۲_باید بی نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد

تقریر برهان فارابی

۱_در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول اند.

۲_هر چیزی که معلول باشد وجودش از خودش نیست علتی مقدم برخویش دارد.

۳_اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد، که آن هم علتی داشته باشد، حال اگر سلسله علل بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود تسلسل نامتناهی علل پیش می‌آید که محال است.

چهارم

برهان وجوب امکان ابن سینا در این مقام تقریر می‌شود:

۱_این برهان بر ابطال تسلسل مبتنی نیست،بلکه خود این برهان تسلسل را ابطال می‌کند.

۲_نقطه ی آغازین این برهان موجودات دارای وصف امکان دارد.

۳_این برهان خداوند را به عنوان واجب الوجود بالذات،مفهوم سازی می‌کند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

تقریر برهان ابن سینا

۱_موجودات جهان ممکنه با لذات اند یعنی نسبت به وجود و عدم مساوی اند.

۲_ممکنه بالذات برای خروج از حالت تساوی نیازمند واجب به ذات هستند یعنی نیازمند موجودی که وجود ذاتی او است.

۳_پس واجب به ذات اثبات می‌شود.

مطابق بیان ابن سینا اشیای جهان چون ذاتاً ممکن هستند، بالذات نیازمند واجب الوجود بالذات هستند که آنها را از حالت امکانی خارج و واجب بالغیر نماید. خود ضرورت این واجب الوجود از ناحیه ذات اوست، نه یک امر بیرونی.

۱_چه متناهی باشند.

۲_چه نامتناهی باشند.

۳_به کل مجموعه موجودات نظر کنیم.

۴_به تک تک موجودات نظر کنیم.

{مطابق این تحلیل است که می‌گویند برهان وجوب و امکان بر تسلسل مبتنی نیست بلکه خود ابطال تسلسل می کند.}

برهان وجوب و امکان:

۱_به توسط آکویناس در اروپا گسترش یافت و مقبول افتاد.

۲_ به وسیله بهمنیار،خواجه نصیر،میرداماد،شیخ بهایی،برگرفته شد.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پنجم

ملاصدرا و برهان صدیقین:

۱_این برهان بر اساس امکان فقری،و موجودات فقیر آغاز می‌شود.

۲_طبق نظر ملاصدرا،خداوند موجود غنی و بی‌نیاز است.

۳_ مطابق این برهان جهان به موجود غنی و فقیر تقسیم بندی می‌شود برهان صدیقین ملاصدرا، برخلاف ابن سینا،از امکان فقری آغاز می‌شود نه امکان ماهوی.

امکان فقری = فقر وجودی

۱_به موجودات پیرامون که نگاه می‌کنیم می‌بینیم عین وابستگی و نیاز به دیگری اند.

۲_موجود فقیر باید متصل به وجودی باشد که ذاتاً فقیر نباشد.

۳_پس موجودات این جهان وابسته به وجود بی‌نیاز و غیر وابسته هستند.

طبق نظرملاصدرا موجود

بی نیازوغیر وابسته ← غنی

نیازمند و وابسته ← فقیر

طبق نظر ملاصدرا کل جهان هستی یکپارچه و نیازمند و وابسته به خداوند هستند.

ششم

آیا فلاسفه مسلمان به مسئله معنا بخشی خدا به حیات انسانی توجه کرده‌اند؟ بله !

۱_نقش خدا در حیات انسانی مثل آب است؛دانستن آب،غیر از نوشیدن آب است آب واقعی بر طرف کننده تشنگی است،نه آب خیالی، وهمی.

۲_ابتدا باید خدا را به نحو عقلی اثبات کرد سپس با او ارتباط معنوی برقرار نمود و یک نمونه زندگی معنادار را سامان داد.

۳_ در اندیشه حکمای مسلمان این نکته برجسته است که خدای معقول می‌تواند به حیات انسان معنا بخشد.

پذیرش خدا،وصفات حسنی او ،می تواند معیارهای یک زندگی معنا دار را بدست دهد.

انکار وجود خدا لازمه اش انکار ۵ گزاره زیر است:

۱_غایتمندی جهان.

۲_هدفمند بودن انسان.

۳_گرایش ذات انسان به خیر و زیبایی،و ما به ازای این زیبایی و خوبی،در خداوند.

۴_ معتبر بودن آرمان‌های زندگی فراتر از زندگی مادی.

۵_احساس تعهد در مقابل این موجود برتر و متعالی.

پنج گزاره اثبات معناداری حیات انسانی

خدا {اثبات این پنج گزاره } خدا پنج گزاره معناداری حیات

هفتم

ابن سینا رساله‌ای در حوزه عشق نوشته است،به نحوی درباره معنای زندگی نیز سخن گفته است، همه ممکنات،ذاتاً،مشتاق کمالات و خیر هستند،و از بدی‌ها گریزان،این اشتیاق ذاتی به کمال،سبب بقای مخلوقات و ممکنات است.

این اشتیاق ذاتی را عشق می‌نامیم {در این فقر بیان می‌شود که این ابن سینا قائل به همه عاشق انگاری مخلوقات است }

این اشتیاق ذاتی به کمال در جذبه عشق الهی است،یعنی کمال مطلق، خداوند است و کل مخلوقات،عاشق این کمال مطلق،و گرایش ذاتی به این کمال مطلق دارند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_سهروردی درباره مفهوم خدا،در ایران باستان چه دیدگاهی دارد؟

۲_تحت چه شرایطی،بحث یک مسیحی معتقدند،یا مسلمانان معتقد،درباره ی خدا فلسفی باشد ؟

۳_دیدگاه فلسفه ی مسلمانان ،درباره ی امکان اثبات فلسفه خدا،را توضیح دهید؟ ماحصل این دیدگاه چه بوده است؟

۴_برهان فارابی در اثبات خدا را ،تحلیل نموده و توضیح دهید؟

۵_اگر تسلسل علل بخواهد تا بی نهایت ادامه پیدا کند چه لوازمی در پی خوهد داشت ؟

۶_برهان ابن سینا در اثبات خدا را تقریر کنید و نشان دهید که برهان او چه تفاوتی با برهان فارابی دارد؟

۷_چرا گفته می شود برهان ابن سینا،بر ابطلال تسلسل نامتناهی علل تکیه ندارد،بلکه خودش مبطل تسلسل نامتناهی است ؟

۸_چه تفاوتی میان تصویر برهان فارابی وابن سینا ، از جهان وجود دارد ؟

۹_درباره ی تاثیرات تاریخی برهان و وجوب و امکان شرح دهید؟

۱۰_برهان ملاصدرا در اثبات خدا را تقریر کنید؟

۱۱_چه تفاوتی میان برهان ملاصدرا و ابن سینا ، به لحاظ مبدا شروع تصویر ارائه شده وجود دارد ؟

۱۲_لوازم نظریه امکان فقری یا فقر وجودی را بیان کنید ؟

۱۳_با بیان سه نکته،درباره ی دیدگاهحکما مسلمان و مساله تاثیر اعتقاد به خدا در معناداری حیات انسانی ، شرح دهید؟

۱۴_معیارهای پنج گانه یک حیاط معنادار را نام ببرید؟

۱۵_دیدگاه ابن سینا درباره ی همه عاشق انگاری موجودات، و ارتباط این دیدگاه با مساله معنای زندگی شرح دهید

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۷ عقل در فلسفه(۱)

یکم

دین ← ایمان

عرفان ← شهود و عشق

فلسفه ← عقل و عقلانیت

فلسفه و عقل

۱_فلاسفه مهم‌ترین مدافعان عقل اند.

۲_وجه تمایز انسان از حیوان عقل است حیوان ناطق یعنی حیوان عاقل.

۳_تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد.

۴_تحولات محدوده عقل بر تحولات فلسفه تاثیر گذاشته است.

محتوای این درس مهم را می‌توان به طور زیر خلاصه کرد:

معانی عقل > دستگاه استدلال

موجود برتر و متعالی از ماده

۱_هراکلیت

۲_ارسطو

۳_حاکمیت اول کلیسا

۴_دروه ی دوم کلیسا

۵_اگوست کنت

۶_دکارت ، هیوم

UPDF
WWW.UPDF.COM

دوم

عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال: در این عنوان از قوه عقل، سخن می‌رود، نه از عالم عقل

قوه عقل

- هست و نیست را درک می‌کند، درست و نادرست را درک می‌کند ،در رشته‌های علمی پیش می‌رود به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابد . (عقل نظری)
- باید و نباید را درک می‌کند،خوب و بد را می‌فهمد کدام رفتار پسندیده و کدام رفتار ناپسندانه است. (عقل عملی)

قوه عقل

- یک استعداد است.
- با تمرین و تربیت می‌تواند به شکوفایی برسد.
- در افراد مختلف مراتب گوناگون دارد.

فلسفه چون با استدلال عقلی محض سر و کار دارد،از این قوه عقل، بیشتر بهره می‌برد.

سوم

عقل به عنوان موجود برتر و متعالی: در این معنا، عقل به معنای عالم عقل است، نه قوه عقل

در مقابل عالم حس که، دارای ماده و جسم است و در قید وند زمان و مکان

عالمی هست فوق عالم طبیعت و دارای موجوداتی که

- ۱_از ماده و جسم مجردند.
- ۲_در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند.
- ۳_علم این قبیل موجودات از طریق استدلال کنار هم و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه از طریق شهود است.
- ۴_در تفکر خدا باوران خدا عقل کل است.
- ۵_در ادبیات دینی فرشتگان جز موجودات این عالم اند.

فیلسوفان الهی باورشان این است که روح هر انسانی استعداد رسیدن به این مرتبه از هستی، این عالم فوق طبیعت را دارد، یعنی از طریق تهذیب نفس می تواند به مرتبه‌ای برسد که از جسم ماده مجرد شود، و بتواند علاوه بر بهره بردن از قوه استدلال گذاشتن مفاهیم حقایق را شهود نماید.

چهارم

مطابق متن کتاب فلاسفه یونان باستان به هر دو کاربرد عقل توجه کردند

هراکلیت به عنوان یکی از پیش سقراطیان از لوگوس سخن می‌گوید:

لوگوس
- هم یک وجود برتر و متعالی است.
- هم به معنای نطق،سخن کلمه .

کلمه و سخن ظهور و پرتو عقل

متعالی و برتر است. سخن ظهور خرد انسان است جهان و اشیای جهان ظهور آن وجود متعالی.

پنجم

ارسطو اندیشمندی است که به قوه عقل توجه ویژه می‌کند

برخلاف افلاطون که بیشتر به عالم عقل توجه دارد

عقل
- نظری ← بحث درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها محصول آن علم نظری است.
- عملی ← بحث درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید و نبایدها و محصول آن علم عملی.

ارسطو علاوه بر تفکیک فوق با تدوین منطق و جدا کردن استدلال تجربی از عقل محض،بیان نطق به عنوان ویژگی ذاتی و ممیز انسان از حیوان،تصویر روشن‌تری از عقل به معنای قوه تفکر و استدلال عرضه نمود.

UPDF
WWW.UPDF.COM

ششم

عقل در دوره جدید اروپا یعنی رنسانس تحولاتی مهم پشت سر گذاشته است که این تحولات بیشتر معطوف به حدود توانایی‌های عقل است در دوره قرون وسطی که به حاکمیت کلیسا نیز معروف است دو دوره مشاهده می‌کنیم

یکم؛دوره اول حاکمیت کلیسا ؛(قرن سوم تا نهم)

عقل،عامل تضعیف ایمان است عقل امری شیطانی است ایمان قوی آن است که در برابر استدلال‌های عقلی بایستد،{یعنی غیر عقلانی باشد.}

دوره دوم(قرن دهم تا سیزدهم)تحت اندیشه حکمای مسلمان،به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.

به واسطه اینکه اقبال به عقل با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت،اقبال به عقل ،به حاشیه رفتن اندیشه‌های دینی را در پی داشت،و عقل جای دین را گرفت و دین و مسیحیت به حاشیه رفت.

هفتم

در ابتدای رنسانس دو جوان درباره محدوده و کارآمدی عقل مطرح بود: ۱_جریان عقل گرایی ۲_جریان تجربه گرایی

UPDF
WWW.UPDF.COM

جریان تجربه گرایی :

بیکن:بهترین روش برای پیشرفت زندگی تجربه است،دست از بت‌های ساخته فلاسفه قدیم برداریم ،و بر تجربه تکیه کنیم.

هیوم: تنها راه رسیدن به دانش و معرفت تجربه است.

آگوست کنت: تجربه‌گرایی قرن نوزدهم،پدر،پوزیتیویسم،عقل فلسفی،و کار عقل در تاسیس فلسفه را کاملا ذهنی خواند،نگاه فلاسفه به جهان و هستی ناظر به واقع نبوده است،و ساخته و پرداخته ذهن آنهاست. عقل هنگامی که با روش تجربی وارد میدان عمل می‌شود، به علم می‌رسد، لذا تنها و تنها، عقل از طریق علم تجربی،به شناخت واقعیت نائل می‌شود.

نتیجه این رویکردی که کنت پایه گذاری کرد، و رواج داد چه بود

۱_توانایی عقل به امور تجربی و حسی محدود شد.

۲_اثبات امور معنوی و ماورای طبیعت غیرممکن شد.

۳_عقل به عقل تجربی تغییر یافت.

۴_رد و اثبات منطقی و عقلی به حوزه ریاضیات محدود شد.

دکارت نماینده جریان عقل گرایی

۱_به ریاضیات بدیات عقلی،استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۲_عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد،اختیار را اثبات کند {به عنوان قوه توجه داشت}.

۳_به عالم عقل و عالم برتر متعالی باور نداشت.

۴_عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال می‌دانست.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسش‌ها

۱_اگر بخواهیم مفاهیم ،دین،عرفان، فلسفه را به ترتیب با یک مفهوم دیگر پیوند دهیم،کدام مفهوم مناسبت است؟

۲_درباره نسبت فلسفه و عقل توضیح دهید؟

۳_درباره نسبت {قوه عقل }و هستها و بایدها،توضیح دهید؟

۴_با بیان سه نکته { قوه عقل } را توضیح دهید؟

۵_چرا فلسفه را با عقل و استدلال عقلی همراه می‌دانند؟

۶_دو معنا مفهوم کلی برای {عقل } ذکر شده است.نام ببرید؟

۷_عقل را به عنوان یک عالم،یا به عنوان وجود برتر و متعالی شرح کنید.

۸_با بیان سه نکته درباره موجودات عالم،عقل توضیح دهید؟

۹_چه نسبتی میان مفهوم خدا فرشتگان در ادبیات دینی و عالم عقل وجود دارد؟

۱۰_دیدگاه حکمای الهی درباره نسبت نفس انسانی و عالم عقول چیست؟

۱۱_درباره مفهوم زندگی دارای مفهوم لوگوس در اندیشه هراکلیت شرح دهید؟

۱۲_مفهوم عقل عقل نظری و عملی در اندیشه ارسطو را تشریح کنید؟

۱۳_گفته می‌شود که ارسطو از عقل به معنای دستگاه تفکر استدلال،با وضوی بیشتری سخن گفته است.درباره این توضیح دهید و شواهدی ارائه نمایید؟

۱۴_عمده تصورات معنایی عقل در دوره جدید اروپا مربوط به چه امری بوده است ؟

۱۵_دوره اول حاکمیت کلیسا شامل چه قرن‌هایی می‌شود و در این دوره چه نگاهی به عقل حاکم بوده؟

۱۶_دوره دوم حاکمیت کلیسا شامل چه قرن‌هایی می‌شود و چگونه این دوره پدید می‌آید و چه نگاهی به عقل در این دوره وجود دارد؟

UPDF
WWW.UPDF.COM

۱۷_چرا در فرهنگ مسیحیت،اقبال به عقل ملازم با به حاشیه رفتن دین و اندیشه‌های دینی است؟

۱۸_درباره بیکن و هیوم اندیشه‌های تجربه‌گرایانه آنها شرح دهید؟

۱۹_با بیان سه نکته دیدگاه تجربه‌گرایان آگوست کنت را شرح دهید.

۲۰_نتیجه رویکردی که وسیله آگوسکون پایه گذاری و گسترش یافت چه بود؟چهار نکته در این رابطه ذکر کنید.

۲۱_ درباره عقل گرایی دکارت،نتیجه عقل گرایی عقل به نزد او توضیح دهید؟

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس۸ عقل در فلسفه(۲)

این درس شرح و بیان دیدگاه مسلمان برای مفهوم عقل و معانی گوناگون است مطالب بسیاری در این درس گنجانیده شده و لازم است تحلیل شود و در کلیت منسجم خویش فهم گردد.

یکم

عقل در ایران باستان چه جایگاهی داشته است

۱_ایران باستان یکی از کانون‌های اولیه عقل گرایی و خردورزی بوده است.

۲_حکمای ایران باستان دعوت کنندگان به عقل بوده‌اند.

گزارش‌های > شاهنامه فردوسی ؛ / سهروردی در حکمت الاشراق؛

هم از عالم عقل آگاه بودند و خدا را عقل می‌نامیدند و هم به قوه به عنوان دستگاه تفکر استدلال اهمیت می‌دادند.

۱_آفریدگار مجموعه جهان را به عقل و خرد خویش رهبری می‌کند.

۲_آفریدگار جهان را بر اساس خرد می‌آفریند.

۳_مزدا که خدای جهان آفرین است با خرد و اندیشه.

جانها / جهانیان را آفریده است / خرد انسانها

نکته،این عقل‌گرایی ایران باستان در آخر عصر ساسانیان به ضعف و زوال می‌گراید.

دوم

در تمدن اسلامی علوم عقلی و فلسفه رشد چشمگیری می‌کند و فلاسفه مشهوری در این تمدن ظهور می‌کند؛یکی از زمینه‌های این رشد و بالندگی قرآن کریم و سخنان پیامبر بود. دعوت قرآن به تفکر و عقل،آموزه‌های خردمندانه

اسلامی باعث جایگاه ویژه عقل،و نیز حرکت عمومی مسلمانان به سوی دانش‌های گوناگون از جمله فلسفه بود.در عین حال دو جریان مختلف ضد عقل‌گرایی به شکل زیر

ظهور و بروز می‌کنند:

۱_یک محدود کردن دایره و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن .

۲_مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاورد یونانی و غیراسلامی.

(۱)

۱_برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی ناکارآمد است.

۲_استفاده از این روش‌ها خطاست.

۳_این افراد که از عقل در حوزه دین بهره می‌برند به دین آسیب می‌رسانند.

(۲)

۱_دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده است.

۲_در بردارنده عقاید سقراط و افلاطون و غیره است.

۳_عقاید آنها با عقاید اسلامی سازگار نیست.

سوم

پاسخ به رویکرد دوم

۱_بسیاری از عقاید افلاطون و غیره با اسلام سازگار است.

۲_فلسفه معرفتی است که هر کس از هر نژاد و ملتی می‌تواند بدان ورود کند و تحقیق کند.

۳_دانش فلسفه به معنای تقلید از فیلسوفان نیست بلکه بحث استدلالی درباره حقایق اشیا است.

۴_بهره بردن از عقاید دیگران همراه با نقد است و بهره بردن از استدلال.

۵_تنها استدلال است که می‌توان درباره درستی یا نادرستی یک دانش نظر داد و دفاع کرد نه ایرانی یونانی یا غیره بودن صاحبان دانش

UPDF
WWW.UPDF.COM

چهارم

نظر حکمای مسلمان درباره عالم (عقل) {عقل به عنوان،موجود متعالی}

۱_حکمای مسلمان روشنتر،از عالم عقل و موجود متعالی سخن گفتند.(عالم عقول)

۲_در دیدگاه فارابی و شیخ،اولین مخلوق خدا عقل است که کاملا روحانی و غیر جسمانی است.

۳_عقول دیگری نیز به توسط این عقل ایجاد می‌شود و فیض خدا از طریق آنها به عوامل عوالم دیگر می‌رسد.

۴_عقل انسانی(قوه ی عقلی) پرتو از همین عالم عقول است.

۵_عقل فعال که از جمله آنهاست عامل فیض رسانی به عقول انسان‌ها است.که به واسطه او،انسان مفاهیم کلی را می‌فهمد،و این مدد رسانی در باطن وجود آدمی رخ می‌دهد.

۶_عقل فعال به مثابه آفتاب است برای چشم،برای بینا شدن پدیده‌ها {تعقل به مدد عقل فعال برای آدمی رخ می‌دهد}عقل فعال نخست چیزی با قوه عقل آدمی می‌رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن شود.

نظر فلاسفه مسلمان درباره قوه عقل یا عقل به مثابه یک قوه یا به عنوان دستگاه تفکر و قرار زیر است:

۱_عقل ابزار شناخت و وسیله تفکر اوست.

۲_این روش‌هایی مانند استدلال تجربی،تمثیل،برهان عقل محض دارد که همگی در جایگاه خویش معتبرند.

۳_ما فرزندان دلیل هستیم هرکس عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد،از حقیقت انسانی خویش خارج شده.

۴_عقل در هنگام تولد یک استعداد است که لازم است تربیت شود.

UPDF
WWW.UPDF.COM

حکمای مسلمان برای عقل مراحل چهارگانه قائل هستند:

۱_عقل بالقوه_هیولانی: {هیچ ادراک عقلی ندارد،تنها استعداد و امادگی درک معقولات را دارد.

۲_عقل بالملکه: بدیهیات اولیه را درک می کند،مثلا قانون امتناع اجتماع نقیضین دراین مرحله امادگی دریافت علم را پیدا می کند.

۳_عقل بالفعل: عقل شکوفا ،که دانشهای عقلی را کسب کرده است.

۴_عقل بالمستفاد:مرحله ای که ادمی برادراک عقلی خویش تسلط دارد. واز هرکدام بخواهد استفاده میکند.

پنجم

پس از این توضیحات کتاب می‌پردازد به جواب شبهه‌ای که عقل را در حوزه دین ناکارآمد می‌دانست،چنانچه در ابتدای درس آمد دو رویکرد مخالف عقل وجود داشت

یکم: فلسفه یونانی و غیر اسلامی است که پاسخ و تحلیل آن گذشت.

دوم:عقل اگرچه قابل پذیرش است،دایره آن محدود است و در حوزه دین کارآمد نیست.

کتاب با بیان سه نکته درباره نسبت دین و فلسفه توضیح می‌دهد.چرا که این شبهه نهایتاً به نسبت عقل و دین مربوط می‌شود.

(۱) پذیرش هر آیین اعتقاد نیازمند استدلال عقلی است هرچند استدلال خود سطوح مختلف دارد از نظر آنان ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد.

(۲) عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است،لذا بزرگانی چون ملاصدرا و علامه طباطبایی،مفسران قرآن نیز بوده‌اند.

(۳)علی رغم اینکه پذیرش هر آیینی اساساً مبتنی بر عقل است،اما راه کسب معرفت به عقل محدود و منحصر نمی‌شود لذا حس و شهود نیز معتبرند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

لذا

۱_تلاش می‌کردند از طریق تهذیب نفس،به شهود نیز نائل شوند.

۲_وحی عالی‌ترین مرتبه شهود است و مختص پیامبران الهی است.

۳_عقل،وحی، شهود هر سه ما را به حقیقت یگانه می‌رسانند و مؤید یکدیگرند.

ششم

ما انسان‌ها چون توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم،ممکن است یا در استدلال عقلی یا،فهم وحی،دچار اشتباه شویم،

یعنی تعارض وحی وعقل

- یا به دلیل استدلال عقلی خطا است
- یا فهم خطا از وحی است

نکته:تعارض ظاهری انها،مبتنی بر گمان است ، نه واقعیت.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_درباره عقل گرایی تمدن اسلام تمدن ایران باستان شرح دهید؟

۲_درباره مفهوم (مزدا) در فرهنگ ایران باستان شرح دهید؟

۳_دعوت قرآن کریم ، پیامبر و امامان معصوم به عقلانیت،چه تاثیری در فرهنگ و تمدن اسلامی به جای گذاشته است؟

۴_دو جریان عمده مخالف عقل گرایی در تمدن اسلامی را بیان کنید.

۵_جریانی که مدعی محدود کردن دایره کارآمدی عقل بود،چه دلایلی داشت؟

۶_یکی از اشکال مخالفت با عقل و عقلگرایی در جهان اسلام،مخالفت با فلسفه بود رایحه جریان چه بود؟

۷_کسی که با فلسفه،به عنوان دستاورد تفکر یونان مخالفت می‌ورزد،چگونه قابل پاسخ دادن است؟در این پاسخ پنج نکته بیان کنید.

۸_نظر حکمای مسلمان را درباره ((عالم عقل)) {عقل به عنوان وجود برتر و متعالی} توضیح دهید؟

۹_درباره جایگاه عقل فعال،در اندیشه حکمای مسلمان به دقت،توضیح دهید؟

۱۰_حکمای مسلمان درباره قوه عقل {عقل به عنوان دستگاه تفکر}چه عقیده‌ای دارد؟

۱۱_به دقت درباره مفهوم((عقل هیولانی)،(عقل بالملکه)،(عقل بالفعل)(عقل مستفاد)) در اندیشه فلاسفه مسلمان شرح دهید؟

۱۲_با بیان سه نکته،درباره نسبت عقل ودین،در اندیشه مسلمان در اندیشه فلاسفه مسلمان،به شبهه عدم کارآمدی عقل در حوزه دین و الهیات،پاسخ دهید؟

۱۳_اگر در جایگاهی تعارض ظاهری،میان عقل و وحی،(دین) ظاهر شود چگونه باید شکل را مرتفع نمود؟

۱۴_خاستگاه متعارض ظاهری میان عقل و وحی،چیست ؟ با ذکر دو نکته شرح دهید.

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۹ آغازفلسفه در جهان اسلام

در این درس درباه ی حیات عقلی و فلسفی جهان اسلام ،زمینه های این تمدن عقل گرا؛ وحکمت منشاء و فارابی به عنوان بنیانگذار فلسفه اسلامی سخن میرود و مشخصات فلسفه ی سیاسی فارابی نیز در نهایت تشریح میشود.

یکم

در ابتدای این درس از سه مفهوم درهم تنیده سخن میرود:

حیات عقلی،حیات علمی،حیات فلسفی.

سیزده قرن از ورود فلسفه به جهان اسلام میگذرد،که محصول یک حیات عقلی در جهان اسلامی بود.

هنگامی که توجه مردم به عقل،چنان باشد که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه در اید ((حیات عقلی))شکل میگرد.

((حیات عقلی))به ((حیات علمی)) می انجامد یکی از شاخه های ((حیات علمی)) ((حیات فلسفی)) است.

کندی اولین فیلسوف مشهور مسلمان،دو قرن بعد ظهور اسلام صاحب ۲۷۰رساله ،در این حیات فلسفی،ظهور میکند.

دوم

زمینه های شروع حیات عقلی در جهان اسلام

۱_دعوت قران کریم و پیامبر به خردورزی.

۲_گسترش مباحث اعتقادی در میان مسلمانان.

۳_نهضت ترجمه متون .

حیات عقلی ، به مانند زمین اماده ای است که دانه ی هر دانشی در ان کاشته شود بالنده و تناور مشود.

UPDF
WWW.UPDF.COM

حیات عقلی مسلمانان دقیقا با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی اغاز میشود. وقرآن کریم، پیامبر خاتم ، بنیانگذاران این حیات عقلی هستند.

شش نکته در این جایگاه اهمیت دارد

۱_ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خرد ورزی

۲_تکریم علم به عنوان ثمره ی تفکر و خرد ورزی

۳_تکریم و احترام عالمان و دانشمندان

۴_طرح مباحث عقلی،علمی،فلسفی ،وبه کار گرفت شیوه های مختلف استدلال

۵_مزیت نادانی و جهل به عنووان یک ویژگی منفی

۶_دعوت به یادگیری علم و دانش سایر ملل و تمدنها و بهره بردن از آنها

سوم

حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد . و درهمان ابتدا مباحث اعتقادی رونق گرفت، دانشمندانی در جامعه ظهور کردن که در مسائل اعتقادی چون،وجود خدا، صفات خدا،ضرورت معاد،و جبر و اختیار تبحر داشتند. این حیات عقلی،بعد از دو قرن به حیات فلسفی انجامید.

چهارم

نهضت ترجمه عالم سوم ظهور حیات عقلی جها اسلام است.

از قرن دوم هجری آغازشد وکمک شایانی به حیات عقلی کرد.

منحصربه دانش فلسفه نبود و علوم گوناگون را شامل می شد و کتب گوناگونی ترجمه شد.

حنین ابن اسحاق از مترجمان برجسته ی این جریان است.

کتابها ، از زبان های یونانی،پهلوی ،هندی ،شریانی،ترجمه می شدند.

مجموعه ی این عوامل زمینه ساز ظهور حیات فلسفی شد وفلاسفه مسلمان نظام نوینی را بر شالوده های تفکر افلاطون و بیشتر ارسطو،پایه ریزی کردند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پنجم

حکمت مشاء،با سرشتی استدلال،وعموما متکی بر اندیشه های ارسطو در جهان اسلام ظهور کرد،تلاشهای محکم و استوار فارابی و نبوغ ابن سینا ، در تاسیس و تثبیت این نظام،نقش عمده دارند.

((بنیانگذار نظام و فلسفه در جهان اسلام فارابی است))

حکمت مشاء
- صورت استدلالی
- الگو گرفتن از ارسطور

این سرشت استدلالی حتی در تعریف ((حکمت))به لسان شیخ،

ظهور و بروز دارد:«فنی استدالالی وفکری که انسان عالم ، وجود را چنان که هست ، به وسیله این فن بدست می اورد ، نفس خویش را به کمال می رساند ، به جهانی عقلی مشابه جهان عینی بدل می شود ، مستعد رسیدن به سعادت نهایی ، به اندازه ی طلاقت بشری میگردد»

این شش نکته در تعریف حکمت ، از نظر ابن سینا ، شایسته توجه اند . فارابی و ابن سینا ، بزرگترین حکماء مشائی جهان اسلام اند.

ششم

فارابی
- ۱_سر آمد در فلسفه
- ۲_در نجوم،حقوق،سیاست،پزشکی شهرت داشت.
- ۳_در فلسفه سیاسی نظریه پرداز بود.
- ۴_دیدگاه وی در سیاست به افلاطون نزدیک است.
- ۵_با میراث فلسفه یونان،و اندیشه های افلاطون و ارسطو آشنا بود در این باره کتاب «جمع بین رای الحکمین»و«اغراض ارسطوفی کتاب مابعد الطبیعه»نگاشت.
- ۶_با تعالیم اسلام عمیقا اشنا بود،لذا توانست فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد و لقب «معلم ثانی»به خود گیرد.

UPDF
WWW.UPDF.COM

هفتم

فارابی جزء معدود اندیشمندان جهان اسلام است که به طور جدی به مفهوم سیاست اندیشیده است،اگرچه با اصل سیاست معاشرت نداشت و هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت.

فلسفه سیاسی فارابی

۱_انسان مدنی بالطبع است و به حب فطرت به جامعه و زندگی جمعی گرایش دارد . این نکته نقطه اغاز فلسفه سیاسی فارابی است.

۲_مسیر کمال و سعادت انسان،از زندگی اجتماعی میگذرد،لذا هدف اصلی مدینه باید سعادت دنیوی و اخروی انسان باشد.

۳_بهترین مدینه ها،مدینه ای است که مردم آن آراسته به فضایلی اند که مجموعه ی مدینه را به سمت سعادت می برد،واین جامعه «همان مدینه ی فاضله» است.

۴_مدینه ی فاضله به مانند بدن،دارای اجزاء،هر جزءمخصوص به کاری ویژه،وهر کدام جایگاه و شانی ویژه دارد.

- جزء
- شان ، رتبه
- کارویژه

۵_ریاست مدینه بر عهده ی کسی باید باشد که

- روحی و سرشتی عالمی دارد.
- اهل عالمی ترین مراتب تعقل است.
- می تواند احکام الهی را دریافت کند.
- این شخص پیامبر،وبالتبع امام است.

۶_پیامبر با فرشته وحی در ارتباط است و این اتصال دائمی با عالم بالا پیامبر را توانا میسازد.جامعه را به سعادت حقیقی راهبری نماید.

۷_در مقابل مدینه ی فاضله،مدینه ی جاهله قرار دارد که هدف آن،سلامت جسم ولذتهای دنیایی است پس تفاوت مدینه ی فاضله و جاهله به لحاظ هدف است.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_مفهوم«حیات عقلی »را توضیح دهید و نسبت این مفهوم را با «حیات عقلی »و«حیات فلسفی»تبین کنید.

۲_درباره ی کندی واهمیت آن توضیح دهید؟

۳_زمینه های حیات عقلی جهان اسلام را نام ببرید؟(عوامل زمینه ساز)

۴_چرا آغاز حیات عقلی فرهنگ جهان اسلام را با ظهور اسلام و پیامبر،قرین می دانند. عوامل موثر را نام ببرید؟

۵_حیات فلسفه ، در جهان اسلام چگونه واز چه زمانی آغاز شد ؟

۶_درباره ی نهضت ترجمه و جایگاه آن در تمدن و حیات عقلی جهان اسلام را تشریح کنید؟

۷_درباره ی حکمت مشاء،بنیانگذار آن در جهان اسلام،و مشخصات اصلی ان را توضیح دهید؟

۸_تعریف ابن سینا از حکمت و قید های شش گانه آن را بیان کنید؟این تعریف چه نسبتی با حکمت مشاء در جهان اسلام دارد؟

۹_درباره ی فارابی و جایگاه فلسفی وی در جهان اسلام توضیح دهید؟

۱۰_دو کتاب فارابی که بیانگر تسلط وی بر میراث فلسفه یونان است ، را ذکر کنید.

۱۱_چرا فارابی توانست لقب معلم ثانی را از ان خویش سازد؟

۱۲_نقطه ی اغاز ورود فارابی به فلسفه سیاسی چیست؟

۱۳_چرا از نظر فارابی لازم است هدف اصلی مدینه،سعادت دنیوی و اخروی آدمی باشد؟

۱۴_مفهوم«مدینه ی فاضله»در تفکر فارابی را توضیح داده و با«مدینه ی جاهله»مقایسه کنید؟

۱۵_فارابی مدینه ی فاضله را به بدن سالم تشبیه می کند،در این باره توضیح دهید؟

۱۶_چرا به نظر فارابی،رهبر مدینه ی فاضله جز پیامبر نتواند بود ؟

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۱۰ دوره میانی

ابن سینا و سهروردی

مطابق با عبارت های کتاب، سهروردی و ابن سینا متعلق به دوره میانی است در این درس کلیاتی درباره اندیشه ابن سینا و سهروردی عرضه می‌شود.

یکم

حسین ابن عبدالله
- شرق:ابن سینا،ابوعلی سینا،شیخ الرئیس،حجه الحق
- درغرب:اوسینا،اوسین،شاهزاده اطباء،داناترین حکیم ایرانی، از مشاهیر علم جهان.

متولد ۳۷۰ هجری در بخارا،شاگرد ابوعبدالله ناتلی در منطق و ریاضیات و استاد ابوعبید جوزجانی

درباره ی خود چنین می گوید

۱_علم طب را در مدتی اندک آموخته است.

۲_اهل تلاش علمی و تفکر بوده است.

۳_در هنگام مطالعه مطالعه همواره ریشه‌های مطلب مقدمات و شرایط هر مفهوم را منظور می‌داشته است. ((تفکر عقلی))

۴_هنگام حیرانی در حوزه مطالعه از خدا کل یاری می‌گرفته است

ابن سینا روش عقلی ارسطو را در جهان اسلام به اوج می‌رساند و فلسفه نشانی را به منظور به طور مدون و نظام مند بنیان می نهد.

UPDF
WWW.UPDF.COM

دوم

تالیفات ابن سینا:

۱_قانون:فرهنگ نامه پزشکی و از معروف ترین آثار او

۲_شفا:دایره المعارف علمی فلسفی،مشتمل بر منطق، ریاضی،طبیعی الهی و الهیات شفا،کامل‌ترین مرجع حکمت مشاء

۳_نجات:بیان مختصر در فلسفه ابن سینا

۴_انصاف:اثری که بخشی از آن باقی مانده است

۵_انتشارات و تنبیهات؛آخرین دیدگاه‌های ابن سینا

۶_دانشنامه علایی تنها اثر فارسی شیخ

سوم

این عنوان بی‌شک مهم‌ترین عنوان درس دهم است که در آن مفهوم طبیعت و جهان طبیعت،و علم طبیعی در اندیشه شیخ تحلیل می‌شود.

(۱) طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که

۱_دارای حرکت است.

۲_رو به مقصدی خاص دارد.

۳_مقصد جزء ذات طبیعت است.

۴_مقصد از طبیعت جدایی ناپذیر است.

(۲)طبیعت را طبیعت نامیده‌اند زیرا

۱_هر کدام از اجزای این عالم طب و ذاتی خاص دارند که منشا حرکات آنهاست و نیز تغییرات آنها.

۲_کل عالم نیز و ذاتی دارد که مبدا حرکات و تحولات آنهاست.

۳_خداوند عالم طبیعت را با عنایت خویش و به بهترین حالت و نظام احسن پدید آورده است.

۴_ طبیعت هر شی آن را به سوی کمال مطلوب می‌برد به این شرط که مانعی سر راه او قرار نگیرد.

۵_حتی آنچه شر و بدی به نظر می‌رسد در یک نظم کلی جهانی مثبت است و به کمال طبیعت کمک می‌کند

۶_با نظر به کل طبیعت می‌توان درباره آن داوری کرد.

۷_طبیعت شناسی ابن سینا یک وجه دیگر هم دارد و آن اینکه علاوه بر مطالعه طبیعت و کشف ویژگی‌ها،و روابط پدیده‌های آن، {شکل‌گیری علم طبیعی}از ما می‌خواهد در رابطه وجودی این عالم با مبدا کل،یعنی خداوند تأمل کنیم.

۸_اینگونه طبیعت شناسی
- مطالعه طبیعت
- مطالعه طبیعت در نسبت با مبدا کل

۹_عالم طبیعی را از ظاهر به باطن می‌رساند بدو خشیت می‌بخشد و مصداق انما یخشی الله من عباده العلما میکند.

۱۰_خدا در اندیشه شیخ پادشاه مطلق است
- ذات هر چیزی از او یا منتهی به اوست.
- همه بنده و مملو گویند و او بی‌نیاز مطلق است.

چهارم

سهروردی
- متولد ۵۴۹ هجری قمری،در سهرورد زنجان
- تحصیل در مراغه و اصفهان
- سفرهای بیرونی و این جهانی و سفرهای درونی همراه ریاضت تالیف حکمت الاشراق،پایه‌گذاری حکمت اشراقی

- ۱_برای ابن سینا احترام قائل بود،و نیز حکمت بحثی شیخ را محترم می‌داشت.
- ۲_حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رسانید.
- ۳_احیاگر حکمت نوری ایران باستان.

درباره مشخصه و ویژگی اصلی حکمت اشراق،میان عبارت‌های کتاب اندکی ناسازگاری مشاهده می‌شود:

UPDF
WWW.UPDF.COM

حکمت اشراقی همراهی

عقل و استدلال آنچه ازعقل یافته و به ذائقه دل برساند. کشف اشراق سلوک قلبی آنچه از شهود کسب کرده با استدلال و برهان به دیگران برساند شیوه استدلالی محض بی‌نتیجه است سلوک روحانی بدون تربیت عقلی گمراه کننده است.

حکمت اشراق آن حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است و وجه نام گذاری به این نام این است که از تابش انوار عقلی بر نفس‌های کامل به دست می‌آید.

در عبارت‌هایی که نقل آن آمد،سازگاری وجود ندارد در شق اول سخن از معیت عقل و اشراق است،اما در عبارت دوم اهمیت و اصالت برای اشراق بیان شده است.

پنجم

۱_ شیخ اشراق،مفهوم«نور» را به جای مفهوم«وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می‌کند،و مباحث را بر اساس نور و مراتب نور،و درجات ظلمت ساماندهی می‌کند.

۲_ خدا را به عنوان«نورالانوار»نور محض،مبدا جهان می‌داند و بقیه اشیا از تابش و پرتو نور او ایجاد شده‌اند.

۳_هر واقعیتی غیر از نورالانوار نور است اما نه نور مطلق تفاوت موجودات به مراتب نور و ظلمت آنهاست.

۴_نورالانوار پیوسته نورافشانی می‌کند و همه چیز را به تجلی پدید می‌آورد و حیات می‌بخشد هر کمالی از او وابسته به نورالانوار است.

۵_ رستگاری در اندیشه شیخ الاشراق عبارت است از وصول کامل به حضرت نورالانوار...

۶_در اندیشه سهروردی مشرق و مغرب،معنای عرفانی دارد.مشرق جهان نور،محض یا محل فرشتگان مغرب است که به دلیل تجرد برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست در مقابل مشرق کامل مغرب کامل،قرار دارد که جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره‌ای از نور ندارد؛در میان مشرق محض و مغرب مغرب کامل مغرب وسطا قرار دارد که نور و ظلمت آمیخته‌اند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

نکته: در شماره۳ آمد که هر واقعیتی نور است و در شمارهٔ ۶ می‌گوید عالم ماده‌ای ماده بهره‌ای از نور ندارد؟حال آیا عالم ماده بهره‌ای از وجود = نور ندارد؟پاسخ این می‌توان باشد،آنقدر بهره‌ای از نور کم است و اینقدر ظلمت غلبه دارد،که گویا بهره‌ای از نور = وجود ندارد.

ششم

سهروردی جویندگان معرفت را چهار گروه طبقه بندی می‌کند .

۱_اهل شوق معرفت و جویای آن.

۲_اهل فلسفه استدلالی که بهره‌ای از ذوق و عرفان ندارند.

۳_اهل شهود که توجهی به برهان و فلسفه استدلالی ندارند.

۴_حکیم متاله،که هم در برهان و استدلال و کمال رسیده‌اند و هم اهل اشراق و عرفانند.

بنا به دیدگاه سهروردی حکیم متاله:

۱_خلیفه و جانشین خداست شایسته{ریاست مدینه}

۲_جهان هیچگاه از چنین حکیمی خالی نیست.

۳_چون برای مقام خلافت الهی ضروری است که خلیفه حقایق را بی‌واسطه از حق تعالی دریافت کند لذا حکیم متعلمی می‌تواند ریاست مدینه را بر عهده داشته باشد،{مطابق این تحلیل فارابی و سهروردی در فلسفه سیاست دیدگاه یگانه‌ای دارند.}

۴_یاست حکیم مطلع گاه ظاهر است و گاه نهانی و ریاست او از راه قهر و غلبه نیست.

۵_اگر ریاست ظاهری مدینه با حکیم متاله باشد،{یعنی حکیم مطلع صاحب قدرت ظاهری هم شود زمان و باس نورانی و درخشان شود و مردم او را شناخته و به وی اقبال کنند} واگر جامعه از تدبیر حکیم الهی ماند تهی ماند،ظلمت بر آن سایه افکند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_درباره القاب و عناوین ابن سینا،در شرق و غرب،اساتید و شاگرد او،و سال تولد او توضیح دهید

۲_نکات زندگینامه خود نوشت ابن سینا را تحت سه عنوان بیان کنید.

۳_درباره کتاب‌های زیر توضیح دهید،قانون،شفا،نجات،انصاف،انتشارات و تنبیهات، دانشنامه علایی

۴_با بیان چهار نکته مفهوم«طبیعت»را در اندیشه ابن سینا تحلیل کنید.

۵_چرا«طبیعت»را به نام«طبیعت»می‌خوانید؟در اندیشه شیخ

۶_با طرح مفهوم«نظام احسن»در اندیشه ابن سینا،مفهوم«شر در عالم»را تحلیل کنید.

۷_ثمره طبیعت شناسی ابن سینا،در ارتباط با«مبدع کل»چیست؟توضیح دهید.

۸_در اندیشه ابن سینا،چگونه عالم طبیعی،می‌تواند مصداق«انما یخش الله من عباده العلماء» باشد؟

۹_درباره سال تولد سهروردی،محل تحصیل او،مهم‌ترین کتاب او،وحکمت اشراق،توضیح دهید؟

۱۰_با ذکردوتحلیل،درباره مشخصه معرفت شناسی«حکمت اشراقی»توضیح دهید.

۱۱_درباره مفهوم نور،نورالانوار،مراتب نور،و مفهوم رستگاری در اندیشه شیخ اشراق توضیح دهید.

۱۲_مفهوم«مشرق محض»«مغرب کامل»«مغرب وسطی» را در اندیشه سروردی توضیح دهید.

۱۳_تقسیم بندی چهارگانه جویندگان معرفت را در اندیشه سهروردی بیان کنید.

۱۴_درباره مفهوم«حکیم متاله»و جایگاه او در فلسفه سیاسی سهروردی،توضیح دهید.

درس ۱۱ دوران متاخر

شرح و آراء فلسفی ملاصدرا :

تقسیم بندی ادوار فلسفه اسلامی

۱-ظهور اسلام تا قرن چهارم ← دوره مقدم ← فارابی

۲_قرن پنجم تا دهم ← دوره میانه ← ابن سینا

۳_قرن یازدهم تا عصر حاضر ← دوره متاخر ← ملاصدرا

یکم

دانش کلام از همان ابتدا،رقیب دانش فلسفه محسوب می‌شد،که با فلسفه و فیلسوفان مخالفت می‌کردند.
کدام:هدف آنها دفاع از معارف دینی،به توسط عقل و استدلال بود.

برخی از این متکلمان {چون غزالی}فلسفه را در بخش‌هایی از جهان اسلام به رکود کشاندند و مانع گسترش فلسفه شدند،در ایران این انتقادها و حمله‌های متکلمان،به فلسفه تاثیر کمتری داشت.

پس از دوره‌ای طولانی از کشمکش‌ها،که در پی حمله مغول پدید آمده بود،

صفویه ظهور کردند:ثبات سیاسی اجتماعی دوره صفویه،باعث رونق گرفتن علم و دانش در اصفهان شد

فلاسفه ظهور کردند ←

میرداماد ← فلسفه

میرفندرسکی ← فلسفه ← صدرالمتالهین شیرازی

شیخ بهائی ← عرفان وفقه

UPDF
WWW.UPDF.COM

دوم

صدرالمتالهین شیرازی (ملاصدرا)

۱_متولد ۹۷۹ شیراز

۲_ تحصیلات ابتدایی در شیراز و تحصیلات عالی در اصفهان

۳_شاگرد شیخ بهایی و میرداماد در اصفهان

۴_استادی در مدرسه خانه شیراز پس از اصفهان

۵_طعن حسودان و آزار کوته نظران ترک شیراز

۶_ دوره انزوا در کهک قم ۱۵ سال سیر و سلوک و مجاهدت

۷_ تابیدن انوار حکمت و معرفت مشاهده برتر آنچه از برهان آموخته بود

۸_ بازگشت دوباره پس از ۱۵ سال به شیراز و تدریس در مدرسه خان و ایجاد کانون عقلی در این شهر

۹_نگارش و آثار گوناگون به اسلوبی تازه و ترویج و تثبیت حکمت متعالیه

سوم

کتاب‌های ملاصدرا گوناگونند،شواهد الربوبیه ربوبیه«تفسیر قرآن کریم»«المبداء المعاد» «الحکمه المتالیه فی الاسفار الاربعه»

دایره المعارف فلسفه ملاصدرا «اسفار» است که با الهام از سفرهای چهارگانه عارفان در چهار بخش تنظیم شده است؛

۱_سفر از خلق به حق:مباحث عمومی فلسفه،عبور سالک از طبیعت و عالم ماورا طبیعت برای وصول به حق=عدم حجاب

۲_سفر با حق و در حق:مباحث توحید و صفات:سیر سالک در اسماء و صفات حق بر مدد حق

۳_سفر از حق به خلق همراه حق:مباحث افعال خدا و ربوبیت و حکمت الهی:سالک از حق به خلق باز می‌گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را جلوه او می‌یابد

۴_سفر در خلق با حق:مباحث علم النفس و معاد:سالک می‌کوشد به مدد حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق گرداند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

چهارم

حکمت متعالیه

۱_نتیجه تکاملی دو مشرب فلسفی«اشراق»و«مشاع»

۲_انس وی با قرآن کریم و وحی

به بیانی دیگر

۱_فلسفه مشاء و علی‌الخصوص اندیشه‌های برهانی ابن سینا

۲_حکمت اشراق،اندیشه‌های سهروردی

۳_عرفان اسلامی،اندیشه‌های ابن عربی

۴_تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول

عرفان+برهان+قرآن

پنجم

چرا بهره‌بندی ملاصدرا از عرفان،شهود،و وحی فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی‌سازد و فلسفه وی را به عرفان و کلام تبدیل نمی‌کند.

زیرا

۱_زیرا یک هر مباحثی را که طرح می‌کند به موضوع فلسفه یعنی مسائل بنیادی وجود مربوط است.

۲_آن بحث متکی بر عقل و استدلال عقلی است.

۳_بهره‌مندی از شهود یا وحی الهی به عنوان پایه و مقدمه استدلال نیست ،بلکه به عنوان تایید و شاهد است.

ششم

اصول حکمت متعالیه

۱_یا کسی بدان تا آن زمان نرسیده بوده است.

۲_ دو ترکیبی که ملاصدرا را مطرح می‌کند که به وسیله فیلسوف دیگر انجام شده است.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پایه های حکمت متعالیه

این پایه‌ها
- ۱_اصالت وجود
- ۲_وحدت حقیقت وجود
- ۳_مراتب داشتن وجود

هفتم

اصالت وجود
- ۱_بنیادی‌ترین اصل فلسفه ملاصدرا است.
- ۲_بر سایر مباحث ملاصدرا سایه افکنده است.
- ۳_تاثیر این اصل در اندیشه فلسفه ملاصدرا تابدانجاست که فلسفه او را فلسفه اصالت وجود می‌نامند.

اصالت وجود چیست؟
- ۱_اصالت =
  - ۱_عینی بودن
  - ۲_ واقعی بودن
  - ۳_ خارجی بودن
  - ۴_بیرون از ذهن بودن
- ۲_در مقابل اصالت اعتباری بودن است
- ۳_اعتباری
  - واقعی نبودن
  - خارجی نبودن
  - ذهنی بودن

در گذشته خواندیم که:

۱_ابن سینا گفت که ما از هر شی خارجی دو مفهوم چیستی میگیریم / هستی

۲_این مفهوم این دو مفهوم متغایره متفاوت غیر یکدیگرند مانند انسان و بشر نیستند که هر دو لفظ هستند که مفهوم یکی هستند .

اگر در خارج، شی خارجی که منشا پیدایش دو مفهوم ذهنی اصلی یکی است.

این شیء یگانه مصداق کدام یک از دو مفهوم "چیستی" (ماهیت) و "هستی" (وجود) می باشد؟

میر داماد : شی خارجی مصداق ماهیت است: اصالت با ماهیت است؛وجود صرفا مفهومی ذهنی و انتزاعی است.

اذهان عادی این را بهتر می پسندد.

ملاصدرا: شی خارجی مصداق وجود است؛ اصالت با وجود است

درک آن ابتدا دشوار می‌نماید. واقعیت خارجی مابه ازای وجود است

ملاصدرا گفت:«آنچه در خارج می‌یابیم از آسمان و درخت و حیوان و انسان وغیره... مصداق وجودند البته وجودهایی با نفس و کمالات متفاوت.

ذهن انسان

۱_از وجودهای متفاوت،متناسب با تفاوت‌ها و خصوصیت‌ها مفاهیم گوناگون چون درخت انسان و غیر انتزاع می‌کند.

۲_تفاوت‌های موجودات را با این نامگذاری‌ها مشخص می‌کند آنچه در خارج است چیزی جز «وجود» نیست.

UPDF
WWW.UPDF.COM

هشتم

در این اصل، وحدت حقیقت وجود، در بیان ملاصدرا ارائه می‌شود.

وحدت وجود درعرفان:

۱_از دیرباز قائل به وحدت وجود بوده و کثرت‌ها را اعتباری می‌دانستند.

۲_عارفان این مطلب را با تمثیل بیان کرده؛تمثیل موج دریا،و در بند اثبات و بیان برهانی این مطلب نبودند.

تمثیل آب دریا و موج، موج‌های کثیر چیزی جز آب یگانه نیست!

کثرت‌های ظاهری جهان وجود جدا از خداوند ندارند.

وحدت وجود در فلسفه:

۱_ملاصدرا آنچه را شهود کرده بود تلاش کرد برهانی نیز اثبات نماید.

۲_از اصالت وجود بهره برد.

۳ دو مفهوم دارد:

وجود ← اصلی است.

ماهیت ← اعتباری است.

پس در خارج وجود مصداق دارد:وحدت مفهوم وجود پل اثبات

وحدت مصداق وجود در خارج است ؛ پس در خارج وجود یگانه است ← وحدت وجود

اثبات فلسفه وحدت وجود

۱_فلسفه را به عرفان پیوند زد.

۲-برای فهم معانی آیاتی از قرآن،هوالاول والآخر والظاهر و الباطن،کلیدی شد!

UPDF
WWW.UPDF.COM

نهم

ملاصدرا برای تبیین خاستگاه کثرت‌های پنداری و ظاهری جهان،حداقل در همان موج دریا، اصل سومی را مطرح می‌کند. ⟵مراتب داشتن وجود

۱_وجود در خارج اصیل است.

۲_ ورود وجود در خارج یگانه است.

۳_اما با این حال دارای مراتب گوناگون است؛ به مانند نور و به مراتب آن،

نور ⟵ قوی / ضعیف / متوسط ⟹ هیچکدام جز نور نیستند در حالی که یگانه اند دارای مراتب اند.

نور ضعیف،چیزی جز نور،نیست؛ اینگونه نیست که نور ضعیف محصول ترکیب نور و غیر نور باشد،مثلاً محصول ترکیب نورو ظلمت و تاریکی نیست.

اختلاف در شدت و ضعف همین حقیقت اصیل و یگانه، تمایز و کثرت ظاهری جهان را ایجاد می کند.

وجود در تجلیات خویش،مراتب گوناگون می شود،تجلیات گوناگون حقیقت یگانه!

لذا در فلسفه ملاصدرا ⟵ وجود مشائی / نور اشراقی ⟵ به هم می رسند و معنا و هویت می یابند.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_تقسیم بندی سه گانه ادوار فلسفه اسلامی،تاریخ آن ها، و نمایندگان برجسته هر دوره را بیان کنید.

۲_درباره دانش کلام،چیستی آن،و تاثیر آن برفرایند تفکر فلسفی در جهان اسلام توضیح دهید؟

۳_درباره تاثیر حکومت صفویه بر تفکر فلسفی ایران توضیح دهید،و نام سه استاد برجسته این دوره را ذکر کنید.

۴_درباره حیات ملاصدرا در بستر تاریخ،و نحوه شکل گیری شخصیت این فیلسوف برجسته نکاتی را بیان کنید.

۵_درباره کتاب اسفار،و تطابق مباحث آن با سفر های چهار گانه عارفان توضیح دهید.

۶_درباره چیستی حکمت متعالیه وریشه های چهارگانه آن توضیح دهید؟

۷_چرا بهرمندی ملا صدرا از عرفان و قرآن،فلسفه او را به کلام و عرفان تقلیل نمی دهد؟سه نکته ذکر کنید.

۸_ درباره پایه های بنیادین حکمت متعالیه(اصول سه گانه)و وجه نو بودن این پایه ها توضیح دهید؟

۹_درباره اهمیت«اصالت وجود»در تفکر ملاصدرا شرح دهید؟

۱۰_با دقت معنای "اصالت"و"اعتباری" بودن را در مساله اصالت وجود باین کنید؟

۱۱_ریشه بحث اصالت وجود،در تفکر ابن سینا،کدام است توضیح دهید؟

۱۲_اصالت وجود را در مقابل اصالت ماهیت به دقت و به طور خلاصه تبیین کنید؟

۱۳_به باور ملاصدرا،منشا مفاهیم گوناگون ذهنی چون،درخت انسان،کوه و ...به لحاظ فلسفی چیست؟

UPDF
WWW.UPDF.COM

۱۴_اندیشه وحدت وجود،در عرفان چه جایگاهی دارد؟توضیح دهید.

۱۵_به دقت توضیح دهید که چگونه ملاصدرا با استفاده از وحدت مفهوم وجود،درخارج، وحدت مصداق وجود را اثبات فلسفی می نماید؟

۱۶_اثبات فلسفی وحدت وجود،چه تاثیری در حوزه تفکر به جای گذاشت؟ (چه اهمیتی داشت)

۱۷_ملاصدرا چگونه مسئله مراتب وجود را در فلسفه اثبات می‌کند؟

۱۸_ارتباط مسئله مراتب وجود و کثرت‌های عالم خارج چیست؟

UPDF
WWW.UPDF.COM

درس ۱۲ حکمت معاصر

این درس درباره جریان فلسفه در صد سال اخیر است و از بزرگان فلسفه دراین صد سال اخیر سخن می‌رود ویژگی فلسفه در این صد سال اخیر،ورود فلسفه‌های جدید و فلسفه‌های غرب و اروپا،به جهان اسلام و از آن جمله ایران است.

ورود فلسفه‌های جدید به ایران،همراه با جریان مشروطه رقم خورد،از دوره مشروطه است که کتب فلسفه غربی به زبان فارسی ترجمه می‌شود،دانشگاه و مفهوم جدید آن تاسیس می‌شود، دانشجویانی برای تحصیل به فرنگ می روند، و رشته فلسفه غرب حتی در دانشگاه تاسیس و تدریس می‌شود.

یکم

دو نکته شایسته دقت است

یکم:پس از صفویه،تا اواخر دوره قاجار،نابسامانی‌های سیاسی،حیات علمی را و حیات فرهنگی و حیات فلسفی را دچار رکود می‌سازد.

دوم:ورود جریان‌های فلسفه اروپایی را به سرزمینی که دارای فرهنگ فلسفه و مکاتب فلسفه چون مشاء اشراق متعالیه،بود،به این شکل رخ داد که ایرانیان تلاش کردند با بهره بردن از ذخیره فلسفه خویش،فلسفه هلای جدید اروپا را ارزیابی وفهم کنند.

ماحصل این نکته دوم رونق گرفتن جریان فلسفه،همراه با مسائل روز،در حوزه‌هایی چون تهران و قم بود.اگرچه در اصفهان و مشهد نیزحلقه‌های درس تشکیل می‌شد.

جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، ابوالحسن رفیعی قزوینی، محمد مهدی الهی قمشه‌ای، محمد کاظم عصار،محمدعلی شاه آبادی، امام خمینی،علامه طباطبایی، از اساتیدی برجسته این دوره اند.

دوم

امام خمینی :

۱_رهبر یک انقلاب مذهبی در قرن ۱۴ هجری در کهوت

۲_در جوانی استاد تدریس کتب عرفانی و فلسفی چون اسفار ملاصدرا شفای ابن سینا

UPDF
WWW.UPDF.COM

۳_شاگرد ابوالحسن رفیعی قزوینی،ومحمد علی شاه آبادی{استاد عرفان امام،و فردی تاثیرگذار بر شخصیت امام خمینی}

۴_مدرس فلسفه در حوزه‌ها،در زمانی که حتی بزرگان حوزه،فلسفه ملاصدرا را ضد دینی تلقی می‌کردند.

۵_تالیف کتاب‌های عالی چون،تعلیقات بر فصوص الحکم و«مصباح الانس» «مصباح الهدایه» «اراده و طلب»«شرح دعاء سحر» «سرالصلاه» «آداب الصلاة»

۶_تدریس فلسفه ملاصدرا با گرایش عرفانی

۷_تربیت شاگردان مبرز در علوم عقلی و فلسفه،و مسائل فکری روز

سوم

علامه طباطبایی

۱_بزرگترین شخصیت فلسفی صد سال اخیر مسلمانان.

۲_آموختن دروس مقدماتی در تبریز،و آموختن سطوح عالی در مکتب نجف.

۳_استاد در فلسفه،فقه،کلام،ریاضیات،عرفان،تفسیر قرآن.

۴_شاگردی عرفان،میرزا علی آقا قاضی،استادی که علامه می‌گفت که در عرفان و اخلاق ما هرچه داریم از مرحوم قاضی است،علامه روش تفسیر قرآن به قرآن را نیز از ایشان فرا می‌گیرد .

۵_اقدامات علمی و فرهنگی

۱_تدریس فلسفه ناظر به مسائل روز فلسفه

۲_احیای تدریس و تفسیر قرآن

۳_ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی

۴_تربیت شاگردان

UPDF
WWW.UPDF.COM

چهارم

علامه هنگامی که به قم می‌آید درک میکند

۱_اندیشه‌های جدید و مکاتب فلسفی چون ماتریالیسم و مارکسیسم،،در حال گسترش است.

۲_حوزه‌های علمیه آمادگی برای بحث و مواجهه با این افکار انحرافی را ندارند،وفلسفه که می‌تواند زمینهٔ نقد و ارزیابی این مکاتب را مهیا کند در برنامه درسی آنها جایگاهی ندارد.

لذا:

۱_تصمیم می‌گیرند علاوه بر تدریس شفا و اسفار،یک دوره فلسفه،به سبک روز تدریس نماید و به نقد مارکسیم می‌پردازد،حاصل این تدریس و جلسات کتاب«اصول فلسفه و روش رئالیسم»است که با تعلیقات و پاورقی‌های مرحوم مطهری همراه می‌شود.

۱_این کتاب نشان می‌دهد چگونه می‌توان با ذخیره فلسفه صدرایی،نیازهای عصر جدید پاسخ داد. در این کتابرای اولین بار،نگاه تطبیقی به فلسفه مشاهده می‌کنیم.

۲_علامه دو کتاب«بدایت الحکمه»و«نهایه الحکمه»را به عنوان کتاب درسی فلسفه می‌نگارد.

۲_ علامه تفسیر بیست جلدی،«المیزان»را به سبک«تفسیر آیه به آیه»می‌نگارد و نشان می‌دهد قرآن یک کتاب آسمانی و منظومه و مجموعه کاملاً منسجم است در این تفسیر مباحث تفسیری در کنار مباحث فلسفه عرفانی و گاه تاریخی مطرح می‌شود.

۳_علامه برای ترویج مباحث خود به بیرون از حوزه،حتی جلساتی را با برخی بزرگان فلسفه غرب و اساتید دانشگاه پی ریزی می‌کند،حاصل مذاکرات علامه و کربن و این جلسات دو جلد کتاب«شیعه»و«رسالت تشییع»است.

۴_درس‌ها و حلقه‌های درس علامه در قم رونق گرفت و شاگردان ممتازی چون دکتر بهشتی،استاد مطهری،دکترباهنر،آیت الله جوادی آملی،آیت الله حسن‌زاده آملی و محمدتقی مصباح در مکتب علامه پرورش یافتند.

این شاگردان بعدها تبدیل به بازوی فکری و فرهنگی نهضت امام خمینی شدند.مطهری برجسته ترین

UPDF
WWW.UPDF.COM

پنجم

در درس سوم فلسفه یک گفتیم هر فلسفه سبک زندگی خاص خود را دارد.

فلسفه الهی ⟵ رنگ و بوی الهی به زندگی می‌بخشد.

فلسفه مبتنی بر اصالت حس ⟵ سبک زندگی مادی را به ارمغان می‌آورد.

ساختار و نظام فکری هر فرد چون درخت،دارای ریشه و دارای شاخ و برگ است.

ریشه⟵مبانی فلسفی پذیرفته شده توسط شخص

شاخ و برگ ⟵افکار و اندیشه‌های او نگاه او به زندگی سیاست خانواده

هرچه قدر ریشه قوی تروسالم ترباشد،واستوار؛شاخ و برگ‌ها نیز سالم و کم عیب و بالنده تر خواهند بود.

افراد جامعه چهار دسته‌اند:

۱_اهل اندیشه ورزی نیستند،نظام فکری مشخص برای خود ندارند،زندگی را به تقلید دیگران می‌گذرانند،تصمیم‌گیری آنها تابع جو حاکم است.

۲_کسی که اهل تفکر فلسفه هست،اما افکار او به خوبی شکل نگرفته است هنوز نمی‌تواند میان افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کند،گاهی بر اساس افکار خویش تصمیم می‌گیرد و گاهی بیرون از آنها،اینان اهل رشد و پیشرفت هستند.

۳_کسانی که ریشه درخت و نظام فکری آنها،بر پایه معیوب بنا شده است و ماحصل آن سبک زندگی معیوب و ناسالم است.

۴_ریشه‌های سالم برای افکار خویش برگزیده‌اند،شاخ و برگ سالم از این اصول سالم،بر اساس عقلانیت،برگزیده‌اند.افکار آنها،ریشه در باورهای فلسفی آنها دارد مرحوم مطهری نمونه اعلای سبک چهارم است.

اندیشه‌های فلسفه را از دو حکیم بزرگ معاصر گرفته بود،و نظام زندگی او محصول این ریشه‌های عمیق بود.

UPDF
WWW.UPDF.COM

پرسشها

۱_درباره حکمت دوره معاصر،و ویژگی و مشخصه اصلی این دوره توضیح دهید؟

۲_درباره شکل‌گیری مکتب فلسفه تهران و قم،و استادان برجسته آنها توضیح دهید.

۳_امام خمینی را به عنوان یک استاد فلسفه و عرفان معرفی نمایید؟

۴_شش مورد از کتاب‌های امام خمینی را نام ببرید؟

۵_درباره شخصیت فلسفه علامه طباطبایی توضیح دهید؟

۶_اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی را نام ببرید؟

۷_چرا علامه در قم به احیاء حلقه‌های درس فلسفی همت می‌گمارد.

۸_درباره نحوه نگارش کتاب«اصول فلسفه و روش رئالیسم» و اهمیت آن توضیح دهید.

۹_درباره کتاب المیزان،توضیح دهید؟اهمیت این کتاب را بیان کنید.

۱۰_کتاب«شیعه»و«رسالت تشییع»محصول چه بود؟

۱۱_شاگردان مرحوم طباطبایی،چه تاثیری در نهضت امام خمینی به جا گذاشتند؟

۱۲تاثیر فلسفه بر سبک زندگی انسان چیست؟

۱۳_مرحوم مطهری نمونه اعلای چه سبک اندیشه گی و نظام فکری می‌باشد.